



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

آفات و پیراهه های احیای دین

یعقوب علی برچی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آفات و بیراهه های احیای دین

نویسنده:

یعقوب علی برجی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	آفات و بیراهه های احیای دین
۶	مشخصات کتاب
۶	چکیده
۶	مقدمه
۷	ضرورت احیای دین
۷	اشاره
۸	دیدگاه افراطی
۸	اشاره
۸	تاریخچه
۹	میرزا ملکم خان
۹	میرزا یوسف خان (مستشار الدوله)
۱۰	احمد کسروی
۱۱	دیدگاه تفریطی
۱۱	اشاره
۱۲	تاریخچه
۱۲	بریهاری
۱۳	ابن تیمیه
۱۶	محمد بن عبدالوهاب
۱۸	بررسی
۱۹	نتیجه گیری
۱۹	اشاره
۱۹	پاورقی
۲۵	درباره مرکز

نویسنده: یعقوب علی برجی

ناشر: یعقوب علی برجی

چکیده

بسیاری از حرکت‌هایی که داعیه احیاگری داشته اند نه تنها دین را احیا نکرده و از خرافات و انحرافات پاکسازی نکرده اند بلکه خود موجب پیدایش انحراف جدیدی در دین گردیده اند. عده ای از آنان راه افراط را پیموده و به بهانه احیای دین هر گونه تأویل و تفسیری را در دین مجاز شمرده اند و عده ای دیگر راه تفریط را پیش گرفته و با حربه احیای دین با هر گونه نوآوری و پویایی دین به مبارزه برخاسته و چهره ای خشک و انعطاف ناپذیر از دین را به نمایش گذاشته اند. حال باید دید چرا این جریانها موفق نبوده اند و چه علل و عواملی باعث انحراف آنان شده است. آفات و خطرات احیای دین را نمی توان در چند عامل خاص منحصر ساخت. آفت زدگی در هر حرکتی متناسب با وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زمان خود، معلول یک سری علل و عوامل ویژه ای است؛ اما می توان چند عامل را به عنوان عوامل مشترک برشمرد از آن جمله: فاصله از سنت، تکیه بر قیاس و رأی، ضعف بنیه علمی، بی ایمانی و هواپرستی، عوامل سیاسی و.. است.

مقدمه

با تشکر از دست اندرکاران سمینار «امام حسین (ع) و احیای دین» که زمینه را برای اظهار نظر درباره ی مقوله بسیار جدی و مهم احیای دین، فراهم ساخته و صاحب نظران را به تکاپو در جهت تأمل در مبانی احیای دین، کاوش در روشهای احیاگران و ارزیابی توفیق نظری و عملی آنان و... واداشته است. از میان موضوعات معرفی شده، موضوع «احیای دین و خطرات، آفات و بیراهه های آن» برای تحقیق برگزیده شد. هدف، این است که با بررسی اجمالی بعضی از حرکت‌های انحرافی که با داعیه «احیای دین»

به صحنه آمده اند و نیز نشان دادن جهت انحراف آن و علل و عوامل رسوخ انحراف در این قبیل حرکتها بتوانیم گامی هر چند کوچک در جهت معرفی خطرها و آفات احیای دین برداریم.

ضرورت احیای دین

اشاره

قرآن مجید برخلاف انجیل و تورات با درخشش ویژه خود با کلام زمینیان مخلوط نمی گردد تا چه رسد که در برابر آنها رنگ باخته، ممزوج گردد و به شکل کتاب ناموزون و بد آهنگ جلوه کند؛ گرچه گرفتار تحریفهای معنوی جمعی از کژاندیشان شده و خواهد شد؛ اما سنت پیامبر (ص) که بسان تبصره و مفسر در کنار قانون اساسی الهی قرار دارد، چون در قالب الفاظ بشری بیان گشته و نگارش یافته از گزند تحریفهای لفظی و معنوی مصون نمانده و اسرائیلیات و نصرانیات احادیث ما شاهد این مدعاست. البته علاوه بر شگردهای دشمنان، هوای نفس برخی از شرع باوران که خودنمایی و جاه طلبی خود را در نقل زیاد احادیث دیدند و می بینند و نیز ناآگاهی بسیاری از آنان از سنت اصیل پیامبر و امامان معصوم (ع) به بازار بدعت و تحریف رونق می بخشد و چهره اسلام را دگرگون می سازد و ضرورت احیای دین و پیراستن آن را از پیرایه ها ایجاب می کند. افزون بر پیدایش تحریفات، گاهی پیدایش موضوعات جدید و دگرگونی در نظامهای مختلف اجتماعی موجب بازنگری دوباره در دین و احیای آن برای افزایش توان پاسخگویی به مسائل نو پیدا می گردد. احیای دین با همه ضرورت و اهمیتی که دارد، کاری بس دشوار، ظریف و خطرناک است. بسیاری از جریانهای منحرف و مکتبهای گمراه کننده که در دامن اسلام پدید آمدند با داعیه احیای دین به صحنه آمده و

با حربه ی دین، تیشه به ریشه دین زده اند. شناخت این جریانها و نشان دادن زاویه های انحرافی آنها و نیز بررسی علل و عوامل پیدایش آنها بر هر اندیشمند مسلمان لازم است. در این نوشتار دو جریان فکری (افراطی و تفریطی) که با شعار احیای دین، ضربه های خطرناکی بر پیکر دینزده و می زنند، مطرح می شود تا عبرت آنانی باشد که در این راه گام برمی دارند.

دیدگاه افراطی

اشاره

طرفداران این دیدگاه، احیای دین را در تأویل و تصرف در ظواهر الفاظ و تطبیق دین با علوم و مکاتب بشری معرفی کرده اند. شعار آنان این بود که در اسلام باید دگرگونیهایی متناسب با تئوریهای علمی روز پدید آید و اصول و مبانی اسلام باید با علوم روز و مکاتب بشری تطبیق شود. آنان این تفکر را با تعبیرات و عنوانهای مختلفی ابراز کرده اند نظیر: پروتستانیسیم اسلام، [۱] پیرایشگری اسلام، [۲] امتزاج اسلام با علوم فرنگ، [۳] بهره ور کردن مذهب اسلام از جمیع اختراعات جدید غربی، [۴] مدرنیزه کردن اسلام، [۵] اصلاح دین [۶] و... این نوشتار، گنجایش طرح و بررسی همه اقطار این جریان فکری را ندارد، لذا به گونه ای مختصر اقطار تعدادی از آنان را مورد توجه قرار می دهیم:

تاریخچه

این تفکر، ابتدا در کشورهایمانند هند و مصر پیدا شد. شاید بتوان شاه ولی الله دهلوی هندی را از پایه گذاران آن به شمار آورد و پس از ایشان، سر سید احمدخان هندی، از جمله شخصیتهای مهم هندی است که در انطباق دادن اسلام با یافته های علمی جدید بسیار کوشید. وی معتقد بود که در راه اخذ تمدن غرب، ناچار باید در افکار دینی تجدید نظر، و به اصطلاح احیاءگری شود. به نظر وی، حقانیت اسلام راستین، در موافقت آن با طبیعت و قوانین علم نهفته است. وی در سال ۱۸۷۵ م کالجی در علیگره تأسیس کرد که در آنجا تعالیم دینی با بررسیهای جدید علمی آمیخته شود. یکی دیگر از این دسته روشنفکران سید امیرعلی است. وی در کتاب «روح اسلام» کوشیده است تعالیم پیامبر گرامی اسلام (ص) را بر پایه فواید جسمانی و اجتماعی

آنها تفسیر کند. این جریان روشنفکری خودباخته از هند به مصر و از مصر به ایران و کشورهای دیگر اسلامی کشیده شد. برای رعایت اختصار به معرفی اجمالی چند چهره مؤثر از روشنفکران ایران بسنده می کنیم.

میرزا ملکم خان

میرزا ملکم خان را مغز متفکر فراموشخانه و پدر روشنفکر ایران لقب داده اند. دو خصلت غربزدگی و تطبیق قوانین اسلام با علم روز، در نوشته های وی بخوبی نمایان است. آقای دکتر عبدالهادی حائری می نویسد: «ملکم خان از پشتیبانان یکدنده آوردن ارزشهای غربی به ایران و از هواخواهان سرمایه گذاری کشورهای استعمارگر اروپا در این کشور بود.» [۷]. خود وی در گفتگوش با «بلنت» انگلیسی می گوید: «دانستم تغییر ایران به صورت اروپا کوشش بی فایده ای است. از این رو فکر ترقی مادی را در لفاف دین عرضه داشتم تا هموطنانم آن معانی را نیک دریابند.» [۸].

میرزا یوسف خان (مستشار الدوله)

نام وی میرزا کاظم تبریزی و از روشنفکران غربزده است که در مسیر تطبیق اسلام با نظامات غربی، تصرفات بیجای فراوانی در احکام اسلام انجام داده و به گمان خود دین را احیا کرده است. وی کتابی به نام «یک کلمه» [۹] نوشته است که در آن، ابتدا به مقایسه میان کد (قانون اساسی فرانسه) با فقه انجام می دهد و در جهت تطبیق آن با کد، احکام دینی را تفسیر و تأویل کرده، می نویسد: «چندی اوقات خود را به تحقیق اصول قوانین فرانسه صرف کرده، بعد از تدقیق و تعمیق همه آنها را با قرآن مجید، مطابق یافتم.» [۱۰] مثلاً تئوری جدایی قوا را از تفاوت میان حکم و فتوی استفاده می نماید. [۱۱] و نظام پارلمانی را با قاعده مشورت پیوند می دهد و نیز آزادی بیان را با دستور اسلام به امر به معروف و نهی از منکر همانند می داند. [۱۲] عبدالهادی حائری می نویسد: «به نظر ما مستشارالدوله در این گونه برخورد، که قصد ایجاد هماهنگی میان قواعد اسلام و ارزشهای اروپایی داشته، جدی نبوده، او می دانسته

است که این دو مطلب، یعنی اسلام و اصول مشروطه غربی با هم تفاوت دارند. ولی از سوی دیگر او آگاه بود که مردم میهن او برای دریافت و هضم مطالبی که رنگ اسلامی داشته باشد، بیشتر آمادگی داشته اند، بنابراین کوشید که اندیشه های نو را با آیات قرآن و حدیث بیاراید.» [۱۳].

احمد کسروی

تفکر افراطی در احیای دین و دخل و تصرفهای بیباکانه در دین، که توسط روشنفکران طبقه اول آغاز شده بود، در زمان کسروی به اوج خود رسید و سر از نسخ اسلام و پایه گذاری دینی جدید به نام «پاکدینی» در آورد. شاید از این سخن تعجب کنید، اما متأسفانه واقعیت دارد و خود کسروی بی پرده از آن اظهار کرده و کتاب «در پیرامون اسلام» را برای اثبات آن تألیف نموده است. وی در گفتار پنجم آن کتاب تحت عنوان «اسلام و پاکدینی» می نویسد: «در گفتار چهارم گفتیم بنیاد همه دینها یکی است، از این رو پاکدینی با اسلام بنیادش یکی است، اسلام راهی پدید آورده بود، ولی آن را برای خواستهایی می بوده و اکنون ما آن را از راه بسیار بهتری پیش می بریم.» او برای زمینه سازی، ابتدا می کوشد اثبات کند که دین اسلام تحریف شده و نیازمند احیاگری است و در این باره می نویسد: «اسلام دوتاست یکی اسلامی که پاکمرد عرب ۱۳۵۰ سال پیش بنیاد نهاد و تا قرنهای برپا می بود، دیگر اسلامی که امروز هست و به رنگهای گوناگون از سنی، شیعی، اسماعیلی نمودار گردید. این دو اسلام هیچ شباهتی به هم ندارند بلکه آخشیج (ضد) یکدیگرند.» [۱۴] کسروی با داعیه احیاگری دینی، انواع توهینها و تهمتها را به روحانیت که مشعلداران اسلام راستین هستند، وارد می ساخت.

[۱۵] و آنان را افراد نادان، مفت خوار، بیکاره و به دور از فرهنگ و تمدن معرفی می کرد. [۱۶]. حضرت امام خمینی (ره) کتاب کشف الاسرار را در پاسخ یاوه گوییهای امثال کسروی تألیف نموده و نوشته اند: «قلمهایی که بر ضد روحانیت به کار می رود، کمک به نابود کردن اسلام و اساس استقلال آن است.» [۱۷]. بعد از کسروی به موازات پیدایش مکتبها و گرایشهای گوناگون در کشورهای غربی، جریان روشنفکری نیز در ایران شتاب بیشتری پیدا کرد و این مدعیان دروغیناحیاگری دینی به هر گونه گرایش و مکتب جدیدی که در کشورهای غربی پیدا می شد، بلافاصله آب و رنگ اسلامی زده، و تلاش می کردند از کتاب و سنت برای این اندیشه ی نو، مؤیداتی پیدا، و آیات الهی را با آن تطبیق کنند و بدین سان بود که سوسیالیسم اسلامی، [۱۸] راسیونالیسم اسلامی، [۱۹] ترانفورمیسم اسلامی، [۲۰] ناسیونالیسم اسلامی، [۲۱] دیالیک تیک توحیدی [۲۲] و... پدید آمد. گروهی از اینان با انگیزه احیاگری دینی و پیراستن اسلام و فهماندن درست آن می خواستند از این مکاتب کمک بگیرند؛ غافل از اینکه جمع میان اسلام و بسیاری از این گرایشها و مکتبها هر گونه ممکن نیست. چگونه می توان بین پراگماتیسم، که اصالت را به تجربه و عمل می دهد، یا اومانیسیم، که اصالت را به انسان و انتخاب او می دهد و یا... با اسلام، که اصالت را به وحی می دهد، جمع کرد؟ علمی که به تجربه مادی تکیه دارد چگونه می تواند اصولی را که با تجربه های مادی قابل ارزیابی نیست، ارزیابی کند؟ و...

دیدگاه تفریطی

اشاره

در مقابل دیدگاه افراطی، گرایشهایی قرار دارد که احیای دین را به معنای جمود بر الفاظ قرآن و روایات

تفسیر کرده، با هر گونه نوآوری و امر جدیدی که در زمان پیامبر (ص) نبوده به عنوان بدعت در دین مبارزه می کنند. در میان شیعیان، اخباریان و در میان اهل سنت، پیروان احمد بن حنبل را می توان از طرفداران این دیدگاه معرفی کرد و اکنون وهابیان نمونه کامل این جریان فکری هستند و به لحاظ اینکه این جریان فکری هنوز رواج دارد و در همه کشورهای اسلامی به عنوان احیاء دینی و ترویج دین عتیق [۲۳] تبلیغ می شود، آن را بطور خیلی مختصر طرح می کنیم.

تاریخچه

بسیاری از نویسندگان که در نقد اندیشه های وهابیان کتاب نوشته اند ابن تیمیه را بنیانگذار این جریان فکری معرفی کرده اند. [۲۴]؛ در حالی که چهار قرن قبل از ابن تیمیه، بربهاری از علمای بزرگ حنبلی در کتاب «السنه» بیشتر نظریات وهابیان را ابراز کرده و او نیز به نوبه ی خود از عقیده نص گرایانه و خشک [۲۵] احمد بن حنبل متأثر بوده است. بنابراین برای دست یافتن به ریشه های این تفکر افراطی و سیر تحولات آن، لازم است ابتدا نظریات بربهاری را بررسی کرد.

بربهاری

ابومحمد حسن بن علی بن خلف بربهاری (متوفی ۳۲۹ ه ق) از دانشمندان معروف حنبلی در قرن چهارم بود. ولی افکارش را در کتابی به نام «السنه» بیان کرده که متن کامل آن را قاضی ابی الحسین محمد بن ابی یعلی در «طبقات الحنابله» [۲۶] نقل کرده است و ما بخشی از آن را نقل می کنیم: وی هر گونه بحث و تفکر در ذات و صفات خدا را بدعت دانسته و نوشته است: «و اعلم ان الکلام فی الرب تعالی محدث و هو بدعه... و الفکره فی الله بدعه... و اعلم انه انما جاء هلاک الجهمیه من انهم فکروا فی الرب [۲۷] همچنین معتقد است که خداوند در قیامت با چشم سر قابل رؤیت است. [۲۸]. ملاحظه می کنید که بربهاری با بستن در تفکر و تعقل در مورد خدا به دره هولناک تجسیم سقوط کرده است. بربهاری شیعیان را به جرم ایمان به به رجعت و علم غیب برای امامان تکفیر، و آنان را متهم می کند که معتقدند علی بن ابی طالب زنده است و قبل از قیامت رجعت می کند. [۲۹]. این سخن وی، نشان می دهد که ایشان تصور درستی از رجعت

نداشته است. رجعتی که شیعیان و برخی از دانشمندان اهل سنت به آن معتقدند، رجوع به دنیا بعد از مرگ است. درباره علم غیب امامان نیز باید گفت که شیعه براساس آیات متعدد قرآن [۳۰] و روایات متواتر [۳۱] به علم غیب معتقد است. بر بهاری در فروع دین بر سه نکته تأکید دارد و احیای دین را منوط به رعایت این سه نکته می‌داند. [۳۲]. ۱- پرهیز از بدعت؛ واژه بدعت در این اثر فراوان به کار رفته است به گونه ای که شاید کمتر صفحه ای یافت شود که در آن واژه بدعت چند بار به کار نرفته باشد. وی در این زمینه می‌نویسد: «از نوآوریهای کوچک در کار دین پرهیزید زیرا همین بدعتهای کوچک، اندکانک پا گرفته، بزرگ می‌شود و... و در پایان به دینی مبدل گشته، مردمان زیادی بدان می‌گروند.» [۳۳]. وی می‌نویسد: «هر گونه علمی که بندگان از علوم باطنی ادعا نمایند که در کتاب و سنت یافت نشود بدعت و گمراهی است و کسی حق ندارد بدان عمل، و مردم را به آن دعوت کند.» [۳۴]. ۲- دومین نکته ای که بر بهاری نسبت به آن سفارش فراوانی کرده، پرهیز از عمل به رأی و قیاس است. وی می‌نویسد: «یکی از اسباب نابودی و گمراهی جهمیه این بود که قیاس را وضع نموده، دین خدا را طبق رأی خود قیاس می‌کردند و در نتیجه به سوی کفر روشن کشیده شدند. [۳۵]. ۳- او در این کتاب، مسلمانان را به بازگشت به دین عتیق به گونه ای که در روزگار سه خلیفه اول رایج بود، فرامی‌خواند. [۳۶].

ابن تیمیه

تقی الدین ابوالعباس احمد بن شهاب الدین عبدالحلیم بن مجدالدین حرانی الدمشقی

الحنبلی (وفات ۷۲۸) معروف به ابن تیمیه یکی از شارحان افکار حنبلیان و بویژه «بربهاری» است. وی همانند بربهاری احیای دین را در دو بخش اصول و فروع بر دو اصل مبتنی می‌داند: ۱- پیروی از سلف ۲- اصل عدم تأویلوی می‌نویسد: «بعضی از جهال می‌پندارند راه سلف درباره‌ی فهم صفات و اسمای خدا سالمتر است ولی راه خلف و متأخران استوارتر و علمی‌تر. اما بیشتر اینان بدعتگزار و منحرفند زیرا راه فیلسوفان را بر راه سلف صالح ترجیح می‌دهند.» [۳۷] وی براساس این دو اصل، همه صفات افعالی را که در قرآن ذکر شده و حاکی از جسمانیت و مشاهده خداوند با بشر است صحیح دانسته و تأویل آنها را روا نمی‌داند؛ مانند اثبات دست برای خدا [۳۸] جلوس خدا بر عرش [۳۹] و قابل رؤیت بودن خدا در آخرت [۴۰] و... چنانکه مشاهده می‌کنید، تکیه بر این دو اصل در بخش توحید صفاتی نه تنها موجب احیای افکار دینی نمی‌گردد بلکه سر از شرک و تجسیم درآورده است. افکار ابن تیمیه در بخش توحید افعالی و عبادی نیز بسیار خشک و غیر قابل انعطاف است و اختلاف نظری که وی در این بخش با سایر مذاهب اسلامی داشت منشأ تکفیرها، طعن‌ها و اتهامات گوناگون وی به سایر مذاهب اسلامی می‌گردید. دکتر عباس زریاب خویی در «دایره المعارف بزرگ اسلامی» [۴۱] مقاله مفصلی در شرح آرای ابن تیمیه به تحریر کشیده، اما با کمال تأسف این بخش از افکار تیمیه را خیلی خلاصه در چند سطر مطرح ساخته است. ابن تیمیه بسیاری از اعمال و مراسم رایج در میان مسلمانان بویژه شیعیان را منافی با توحید افعالی و عبادی می‌داند مانند توسل به اولیا

و انبیا و واسطه قرار دادن آنان میان خالق و مخلوق. [۴۲] استاد جعفر سبحانی در مقام رد اندیشه های ابن تیمیه روایات زیادی از پیامبر [۴۳] و سیره صحابه آورده که در زمان پیامبر و صحابه توسل به انبیا و اولیا امر رایجی بوده و پیامبر نه تنها آن را منافی توحید ندانسته بلکه مسلمانان را به این عمل تشویق کرده است. ابن تیمیه نه تنها منکر این روایات نیست بلکه خود وی بیشتر این روایات را در رساله «الاستغاثه» [۴۴] برای اثبات شفاعت پیامبر و صحت توسل به آن حضرت نقل کرده است. بنابراین وی منکر مطلق توسل نیست بلکه می گوید خواستن کارهای خدایی از پیامبر منافی با توحید افعالی است نظیر فرستادن باران، رویانیدن گیاهان، آمرزش گناهان [۴۵] و... و ما اثبات خواهیم کرد که تقاضای این گونه امور از پیامبر هیچ تنافی با توحید افعالی و عبادی ندارد. ابن تیمیه همچنین درخواست شفاعت از اولیا [۴۶] و استعانت از غیر خدا [۴۷]، نذر برای غیر خدا [۴۸] و... را شرک و بدعت معرفی کرده است. ما در این مختصر در مقام رد افکار ابن تیمیه نیستیم. بحمد الله تاکنون کتابهای زیادی در رد این دیدگاه نوشته شده است و فقط در یک جمله اشاره می شود که اختلاف میان ابن تیمیه و سایر مذاهب در این بخش اختلاف صغروی است. اصل کبری که هیچ موجودی حتی پیامبران و اولیا را نباید شریک خدا قرار داد، مورد توافق و قبول همه مذاهب است و لکن در مقام تطبیق، بسیاری از مراسم رایج میان مسلمانان را ابن تیمیه مصداق شرک قرار داده که سایر مذاهب این اتهام را از او نمی پذیرند و می گویند

همه این اعمال مورد تأیید و تصویب خداست و با اجازه خود اوست و هر گونه قدرت و توانی که پیامبران و اولیا دارند از ناحیه خدای متعال است.

محمد بن عبدالوهاب

جریان فکری که با شعار احیای دین و پیروی از سلف صالحین به وسیله بر بهاری بنیانگذاری شد و بعد از چند قرن، توسط ابن تیمیه و شاگردش ابن القیم ترویج و گسترش یافت و بر یک سوی اصول و مبانی استوار گردید، در سده اخیر توسط محمد بن عبدالوهاب به عنوان یک مذهب و شیوه‌ی خاص در جامعه پیاده گردید. گرچه ابن تیمیه برای تحقق بخشیدن و پیاده کردن افکار و عقاید خود شدت و صلابت عجیبی از خود نشان داد لکن آن شدت عملهایش نتیجه‌ای جز زندان، و آوارگی و در نهایت کشته شدن در زندان، چیز دیگری برای وی به ارمغان نیاورد. اما بخت، یار محمد بن عبدالوهاب بود، یا به عبارت بهتر، سیاست استعمارگران یارش بود و با پیوند دادن تفکرات نادرست او با قدرت و حکومت آل سعود، زمینه پیاده کردن آنها در منطقه حجاز فراهم گردید. محمد بن عبدالوهاب نیز استفاده از موقعیت به دست آمده و تلاش در پیاده کردن افکار ناصحیح خود را مغتنم شمرد و آنها را در منطقه حجاز به مورد اجرا گذاشت. بدین سان بود که معابد و مشاهد انبیا و اولیا را تخریب، و همه آثار باستانی و فرهنگی و مذهبی منطقه حجاز را نابود کرد. داستان غمبار این تراژدی را از کتابهایی که در شرح زندگی و رد افکار محمد بن عبدالوهاب نوشته اند، می توان به دست آورد. در این نوشتار اشاره‌ای به اصول افکار او که در کتاب

التوحید و رساله های دیگرش آمده است، می کنیم: محمد بن عبدالوهاب همانند اسلاف خود، احیای دین را شعار خود قرار داده است و بیشتر مباحثش پیرامون بدعت زدایی در مسأله توحید دور می زند. وی در کتاب التوحید ابتدا توحید را به سه نوع تقسیم کرده است: ۱- توحید ربوبی که مورد قبول مشرکان قریش بوده است. [۴۹]. ۲- توحید الوهی که بر اساس آن بندگان باید فقط خدا را بخوانند. نذر و قربانی برای او کنند. ترس، امید، توکل و انابه ی بندگان تنها به او باشد. ۳- توحید اسماء و صفات. در ادامه بحث می نویسد: «بدان که ضد توحید، شرک است و شرک نیز بر سه نوع است: ۱. شرک اکبر. ۲. شرک اصغر مثل ریاء. ۳. شرک خفی. شرک اکبر به نوبه خود به چهار نوع تقسیم می گردد: ۱- شرک دعوت ۲- شرک نیت ۳- شرک در اطاعت ۴- شرک محبت [۵۰]. در رساله پنجم می نویسد: «کفار زمان پیامبر به خالقیت و رازقیت الهی معتقد بودند و مشکل آنان تنها در توحید الوهی بوده است و آن این است که جز خدا را نباید خواند و به غیر او نباید دل بست. خدایی جز او نیست و شریکی ندارد. نباید پیش غیر او استغاثه نمود و برای غیر او قربانی، نذر کرد، چه آن غیر ملک مقرب باشد یا نبی مرسل. کسی که به غیر خدا استغاثه کند، به تحقیق کافر گردیده و کسی که برای غیر خدا ذبح و قربانی نماید، همانا کافر شده است.» [۵۱]. در رساله اولی می نویسد: «معرفت و شناخت شرک در پرتو شناخت چهار قاعده میسر می گردد: ۱- کافرانی که پیامبر با آنان به مبارزه برخاست، همه به خالق، رازق، محیی و ممیت بودن خدا اعتراف داشتند. [۵۲]

۲- کافران، بتها را وسیله قرب به خدا قرار داده بودند. [۵۳]. ۳- مشرکان هنگام بعثت پیامبر، موجودات مختلفی را می پرستیدند؛ از آن جمله خورشید و ماه [۵۴] بندگان صالح، [۵۵] ملائکه، [۵۶] انبیا و پیامبران، [۵۷] درختان و جمادات. [۵۸]

۴- مشرکان زمان ما، شرکشان از شرک مشرکان صدر اسلام بزرگتر است؛ زیرا آنان تنها هنگام آسایش غیر خدا را می خواندند ولی اینان در همه حال غیر خدا را می خوانند. [۵۹]. منظور وی از مشرکان زمان ما، تمام فرقه های اسلامی غیر از طرفداران مذهب حنبلی است و شاهد این مدعا این است که وی در کتاب «مجموعه التوحید» بسیاری از مراسم رایج میان مسلمانان را شرک قلمداد کرده است که برای نمونه عنوانهای چند باب از ابواب کتاب «مجموعه التوحید» را نقل می کنیم: نذر برای غیر خدا شرک است. استغاثه به غیر خدا و کمک خواستن از غیر خدا شرک است. خواندن غیر خدا شرک است. بستن نخ به حلقه های ضریح برای برطرف کردن بلا شرک است. پرستیدن خدا در کنار قبر بنده صالح شرک است و... [۶۰].

بررسی

به نظر می رسد میان این گونه کارها، که بین مسلمانان رایج است از قبیل نذر یا توسل به انبیا و اولیا و... با اعمال مشرکان صدر اسلام یک تفاوت اصولی وجود دارد که محمد بن عبدالوهاب یا آن را نفهمیده یا اگر فهمیده خود را به نفهمیدن زده است و آن تفاوت اصولی این است که مشرکان بتها را عبادت می کردند و آنها را در هستی مؤثر می دانستند، از این رو در آیه ۳۱ سوره ی زمر، که مورد استشهاد محمد بن عبدالوهاب بود، خدای متعال از این قبیل

کارهای مشرکان به عبادت تعبیر کرده است در صورتی که بر اعمال رایج میان مسلمانان عنوان عبادت قابل اطلاق نمی گردد. مسلمانی که برای پیامبر (ص) یا امامی نذر می کند و یا از آن حضرات استعانت می جوید، هرگز به الوهیت آنان معتقد نیست و آنان را مؤثر مستقل در جهان نمی داند بلکه بر این باور است که این بزرگان به خاطر بندگی خالصانه نزد خداوند تقرب یافته اند و خدای متعال با وساطت آنان، اگر صلاح باشد، مشکل بنده اش را حل یا حاجت او را برآورده می کند.

نتیجه گیری

اشاره

از مباحث پیشین روشن گردید که بسیاری از حرکت‌هایی که داعیه احیاگری داشته اند نه تنها دین را احیا نکرده از خرافات و انحرافات پاکسازی نکردند؛ بلکه خود موجب پیدایش انحراف جدیدی در دین گردیده اند؛ برخی از آنان راه افراط را پیموده و به بهانه احیای دین هرگونه تأویل و تفسیری را در دین مجاز شمرده اند و عده ای دیگر راه تفریط را در پیش گرفته و با حربه احیای دین با هر گونه نوآوری و پویایی دین به مبارزه برخاسته اند و چهره ای خشک و انعطاف ناپذیر از دین به نمایش گذاشته اند. حال، باید دید که چرا این جریانها موفق نبوده اند؟ چه علل و عواملی باعث انحراف آنان شده است؟ آفات و خطرهای احیای دین را نمی توان در چند عامل خاص منحصر ساخت. آفت زدگی در هر حرکتی متناسب با اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زمان خود، معلول علل و عوامل ویژه ای است که می توان چند عامل را به عنوان عوامل مشترک بر شمرد از آن جمله: فاصله از سنت، تکیه بر قیاس و رأی، ضعف توان علمی، بی ایمانی و هواپرستی، عوامل سیاسی و...

پاورقی

[۱] اندیشه های میرزا، فریدون آدمیت، ج ۲۲۱ / ۱، تهران، چاپ اول.

[۲] همان، ج ۶۴ / ۱.

[۳] اندیشه ترقی و حکومت قانونی، ج ۴۵ / ۲، تهران، چاپ دوم.

[۴] «یک کلمه» میرزا یوسف خان به نقل از کتاب «شهید مطهری افشاگر توطئه» / ۱۶۲.

[۵] «مسالك المحسنين» عبدالرحيم طالبوف / ۲۶ - تهران، انتشارات شبگیر.

[۶] کلید فهم قرآن، سنگلجی، تهران، چاپخانه مجلس.

[۷] تشیع و مشروطیت در ایران ص ۴۲، تهران، انتشارات امیرکبیر.

[۸] اندیشه ترقی / ۶۴۰۶۵.

[۹] وی در این کتاب راز ترقی کشورهای غربی را در یک کلمه یعنی

قانون معرفی می کند. تشیع و مشروطیت در ایران / ۳۲.]

[۱۰] یک کلمه، مستشارالدوله، ص ۱۶.

[۱۱] همان ص ۴۰.

[۱۲] همان ص ۴۸.

[۱۳] تشیع و مشروطیت در ایران ص ۳۹.

[۱۴] در پیرامون اسلام ص ۸۹، تهران، کتابفروشی پایدار چاپ چهارم.

[۱۵] همان ص ۳۰ و ۲۹.

[۱۶] همان ص ۴ و ۲۹.

[۱۷] کشف الاسرار، امام خمینی ص ۲.

[۱۸] ایده آل بشر ص ۶ و ۵.

[۱۹] احیاء فکر دینی در اسلام ص ۱۴۶.

[۲۰] راه انبیا راه بشر.

[۲۱] بازیابی ارزشها ص ۳۸۷.

[۲۲] تبیین جهان بینی سازمان مجاهدین ص ۵۶۹.

[۲۳] به همین جهت آنان را سلفیه می نامند زیرا آنان خود را تابع سلف صالح یعنی اصحاب پیامبر و تابعین می دانستند «وهابیان، علی اصغر فقیهی ص ۲۳».

[۲۴] نظیر سید محسن امین عاملی در کتاب کشف الارتیاب ص ۱۲۷ و جعفر سبحانی در کتاب آیین وهابیت ص ۳۳.

[۲۵] طبقات الحنابله - ج ۲ از صفحه ۱۸ تا ۴۴، بیروت، دار المعرفه و النشر.

[۲۶] طبقات الحنابله - ج ۲ از صفحه ۱۸ تا ۴۴، بیروت، دار المعرفه و النشر.

[۲۷] همان ج ۲۹، ۳۰ / ۲.

[۲۸] همان ج ۲ / ۳۰.

[۲۹] طبقات الحنابله ج ۲ / ۴۱.

[۳۰] ر. ک. به: آل عمران آیه ۱۷۹، الجن آیه ۲۶، یس آیه ۱۲، الحاقه آیه ۳۰، حدید آیه ۲۳.

[۳۱] روایات وارده در این زمینه را شیخ علی نمازی شاهرودی به ۲۸ نوع تقسیم کرده است. اثبات ولایت و رساله علم غیب ص ۳۱۸.

[۳۲] همان.

[۳۳] طبقات الحنابله ج ۲ / ۱.

[۳۴] همان ص ۳۵.

[۳۵] همان ص ۳۴.

[۳۶] همان ص ۳۴.

[۳۷] العقیده الحمویة الکبری - ضمن مجموعه الرسائل الکبری - ج ۱ ص ۴۲۷، بیروت، احیاء القرار.

[۳۸] المائده آیه ۶۴.

[۳۹]

الاعراف آیه ۵۴.

[۴۰] منهاج السنه النبويه ج ۲۱۵ / ۱، بصره، مطبعه الکبريا لامبريه.

[۴۱] دايره المعارف بزرگ اسلامى ج ۱۸۲ / ۳.

[۴۲] الواسطه بين الحق و الخلق، ابن تيميه ص ۸ - ضمن رسائل المدينه السلفيه، مصر، ذکريا على يوسف.

[۴۳] التوصل الى حقيقه التوسل، رقاى، ص ۱۵۸ و صحيح ابن ماجه ج ۲۶۱ / ۱.

[۴۴] الاستغاثه، ص ۴۸۲ - ضمن مجموعه رسائل الکبرى، بيروت، احياء الستوات العربى.

[۴۵] همان.

[۴۶] زيارت القبور السريه و الشکيه ص ۲۷ - ضمن مجموعه رسائل الدينيه و السلفيه چاپ شده، مصر، ذکريا على يوسف.

[۴۷] همان ص ۲۳.

[۴۸] همان ص ۲۲.

[۴۹] يونس آيه ۳۱.

[۵۰] مجموعه التوحيد، رساله اولى ص ۷ - ۳ - مدينه، مطبعه محمد عبدالمحسن.

[۵۱] همان - رساله خامسه ص ۱۵۳.

[۵۲] يونس ۳۱.

[۵۳] زمر آيه ۳.

[۵۴] فصلت آيه ۳۷.

[۵۵] سبا آيه ۴۲ و ۴۰.

[۵۶] مائده آيه ۱۱۶.

[۵۷] اعراف آيات ۱۴۰ و ۱۳۸.

[۵۸] عنكبوت آيات ۶۶ و ۶۵.

[٥٩] مجموعه التوحيد، رساله اولى ص ٧٣.

[٦٠] مجموعه التوحيد صفحات ١٦ و ٢٤ و ٣٦.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

